

**محمد ولایی** | آیت‌الله سیدمحمد عزالدین موسوی حسینی زنجانی، از مراجع تقلید شیعه بود که سال‌های متمدای در زنجان و مشهد منشأ آثار زیادی شد. در آستانه سالروز عروجش مروری داریم بر مجاهدت‌های علمی و عملی این عالم راحل.

■ **از تبار علمای زنجان**

سیدمحمد متولد ۱۳۰۰ هجری شمسی در زنجان بود و تحت تربیت پدرش، آیت‌الله سیدمحمود حسینی زنجانی رشد کرد. پدری که امام‌جمعه زنجان و از علمای برجسته شهر بود و مردم زنجان را در مجلس مؤسسان نمایندگی می‌کرد و به دلیل مخالفت‌هایش با سلطنت رضاخان پهلوی، مدتی را هم در حصر گذرانده بود.

عزالدین همزمان با تحصیل در حوزه علمیه زنجان، به تحصیلات کلاسیک و فراگیری زبان فرانسه نیز پرداخت. در آن دوران، حوزه علمیه زنجان در شمار حوزه‌های فعال بلاد بود که پیش از تشکیل حوزه علمیه بزرگ قم، جایگاه ویژه‌ای داشت و بزرگان زیادی را در خود پرورش داد. او علاوه بر دروس رایج حوزه، در دروس فلسفه و منطق نیز حاضر می‌شد و منظومه و اسفار را نزد پدر تلمذ کرد، همان‌طور که دروس خارج فقه و اصول را در محضرش تحصیل می‌کرد. از آنجا که مورد علاقه پدر بود، تمایلی به مهاجرت و ادامه تحصیل در قم و نجف نداشت، ولی ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت در زنجان، عاملی بود برای مهاجرت به قم.

■ **شاگرداول علامه در قم**

عزالدین بیست‌ساله پس از ورود به قم در درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت شرکت کرد. در همین سال‌ها بود که آیت‌الله العظمی بروجردی در قم اقامت کرده و به تدریس پرداخت که سید محمد در درس ایشان نیز حاضر شد. در کنار این اساتید از محضر حضرات آیات صدر و خوانساری نیز استفاده کرد.

عزالدین به فقه و اصول اکتفا نکرد و حکمت متعالیه را در محضر امام خمینی(ره) خواند. اسنادی که معتقد بود شاگردش بسیار خوش فهم و خوش قریحه است. پس از ورود علامه طباطبایی به قم، همراه با شهید مطهری و چند نفر دیگر، شاکله درس اسفار ایشان را شکل داد. علامه به او بسیار علاقه‌مند بود و حتی در مصاحبه تلویزیونی که او اواخر عمر شریفش انجام شد، شاگردان برجسته‌اش را این چنین معرفی کرد: شهید مطهری و سیدعزالدین امام. وقتی برای ادامه تحصیل تصمیم به مهاجرت به نجف گرفت و موضوع را با علامه طباطبایی در میان گذاشت، علامه به او گفت: در نجف خبری نیست و برای شما تحصیل حاصل است!

با این حال، عزالدین که خود از مجتهدان مطرح حوزه علمیه بود، چند ماهی به نجف رفت و در آنجا از درس آیات عظام خوبی، سیدمحسن حکیم و سیدعبد‌الهادی شیرازی استفاده کرد. اما در پی بیماری پدر به ایران و شهر زنجان بازگشت.

■ **امام زنجان**

آیت‌الله سیدعزالدین زنجانی پس از رحلت پدر در سال ۱۳۳۵ در زنجان مستقر شد تا جانشین پدر در اداره مسجد جامع و مسجد و مدرسه سید باشد. او مانند چهار نسل قبیش که همگی مرجع تقلید مردم زنجان و امام جمعه شهر بودند، مرجع مردم شد و نماز جمعه را اقامه می‌کرد. کرسی درس خارجش هم با محوریت «وسيلة النجاة» در حوزه علمیه زنجان دایر شد. در همین سال‌ها بود که به «امام زنجانی» مشهور شد.

پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی در فروردین

مروری بر زندگی وزمانه آیت‌الله سیدمحمد عزالدین موسوی حسینی زنجانی

# امام مردم زنجان و عزت حوزه خراسان



به ممانعت دولت بختیار، به همراه گروهی از علمای تراز اول مشهد در حرم مطهر رضوی متخصن شد و پس از مراجعت امام نیز در معیت آن‌ها به ملاقات امام در تهران شتافت. او در برابر تجحر و انجمن حجتیه نیز حساس بود و در روشنگری درباره این حرکت نقش فعالی ایفا کرد.

پس از بازگشت امام به میهن و در بحبوحه انقلاب، به حکم امام برای پیشبرد انقلاب در زنجان راهی زادگاهش شد. امام برای مردم زنجان نوشت تحت رهبری او به مبارزه خود علیه ظلم و استبداد ادامه دهند.

با پیروزی انقلاب، به مدت دو سال همچنان در این شهر بود و مسائل مردم و انقلاب را رهبری می‌کرد؛ تا اینکه در سال ۱۳۵۹ از ترور مرمروی نجات یافت. با استقرار انقلاب و تغییر شرایط ترجیح داد به مشهدمقدس بازگردد و تا آخر عمر در این شهر بماند.

■ **کانونی برای جوانان مشهد**

آیت‌الله زنجانی در مدت حضورش در مشهد، فعالیت‌های علمی و فرهنگی اش را در مسجد امام صادق(ع) متمرکز کرد؛ از امامت جماعت و ارتباط‌گیری

انتشار یافت. رساله‌ای که برخلاف بسیاری از مراجع، به‌جای تلیقیه بر «عروة‌الوثقی»، بر «وسيلة‌النجاة» سید ابوالحسن اصفهانی بود.

در این دوران با وجود تمام محدودیت‌ها، از فعالیت مبارزاتی هم دست نکشید؛ در تظاهرات‌ها حاضر می‌شد و در جلساتی که برای رهبری قیام و ارتباط با امام خمینی(ره) و انتقال خواسته‌های ایشان به مردم تشکیل می‌شد، حضوری جدی و فعال داشت.

او در کنار آیات عظام شیرازی، قمی، میرزا جوادآقای تهرانی و مرورید، مرجع مبارزان مشهدی بود و فضایی

مبارزی نظیر آقایان خامنه‌ای، هاشمی‌نژاد و واعظ‌بسی سلسات مستمری را در محضر آن‌ها داشتند و برای پیشبرد مبارزات انقلاب مشورت می‌گرفتند.

تحریم جشن‌های نیمه شعبان سال ۱۳۵۷، تهدید دولت ایران و عراق در پی محاصره منزل امام در نجف توسط دولت عراق و اعلام عزای عمومی در پی شهادت سیدمصطفی خمینی و نیز واقعه دهم دی‌ماه مشهد، جمله اقدامات گروهی از علمای آن زمان بود که آیت‌الله زنجانی در آن‌ها نقش داشت.

آیت‌الله زنجانی در آستانه ورود امام به ایران و در اعتراض

■ **طهارت ذاتی انسان؛ بازگشت به فطرت**

آیت‌الله جناتی از نخستین فقیهانی بود که در فضای سنتی نجف، با شجاعت علمی، نظر به «طهارت ذاتی مطلق انسان» را مطرح کرد. این دیدگاه که محصول سال‌ها تحقیق و مباحثه با بزرگانی چون آیت‌الله حکیم بود، بر این اصل استوار است که هیچ انسانی به صرف عقیده و مذهب، نجس نیست. ایشان با تفکیک میان «نجاست معنوی» و «نجاست فیزیکی»، مرزهای سنتی میان پیروان ادیان را در حوزه معاشرت‌های روزمره فروریخت. کتاب «طهارة الكتاب» ایشان که در سال ۱۳۴۹ در نجف منتشر شد، زیربنای فتوایی شد که دهه‌ها بعد در قم صادر شد و راه را برای تعاملات انسانی و دیپلماسی فرهنگی در جهان اسلام هموار کرد.

■ **فقه مقارن؛ گفت‌وگوی ۲۲ مذهب**

تسلط آیت‌الله جناتی بر منابع فقهی مذاهب مختلف اسلامی، ایشان را به چهره‌ای فراملی بدل کرده بود. کتاب ۱۰جلدی «دروس فی الفقه المقارن» ایشان، اثری بی‌بدیل است که در آن، ادله و مبانی ۲۲ مذهب فقهی (از میان ۱۳۸ مذهب تاریخی) مورد واکاوی قرار گرفته است. برخلاف بسیاری از کتب فقه تطبیقی که تنها به نقل فتاوا می‌پردازند، ایشان به ریشه‌های استدلالی هر مذهب نفوذ کرده و با نگاهی منصفانه، نقاط اشتراک و افتراق را تبیین کرده است. این رویکرد، فقه شیعه را در جایگاه یک دانش گفت‌وگومحور و جهانی قرار داد که قادر است با تمام نخله‌های فکری وارد چالش علمی شود.

■ **تسهیلگری در مناسک حج و عبادات**

در حوزه عبادات، آیت‌الله جناتی فقیهی بود که «عسر و حرج» مردم را به‌خوبی درک می‌کرد. فتواهای ایشان در مناسک حج، نمونه‌ای عالی از فقه راه‌گشاست. ایشان

با قشر جوان و به‌ویژه دانشجویان و ارتباط چهره‌به‌چهره با توده مردم و تلاش برای حل مشکلات آنان تا انجام امور مرجعیت و تدریس دروس خارج و نهج‌البلاغه؛ فعالیت‌هایی که به‌تعبیر رهبر شهید انقلاب، این مسجد را به کانون مهمی برای جوانان مشهد تبدیل کرد.

او در کنار همه فعالیت‌ها هیچ‌گاه از شرکت در مراسم‌های سیاسی و انقلابی غافل نبود. نزدیکان او روایت می‌کنند ایشان مقیدبه‌حضور در راهپیمایی‌ها، تظاهرات و انتخابات بود و در سخنرانی‌های خود همیشه مردم را به حضور در این عرصه‌هادعوت و بر حمایت از انقلاب تأکید می‌کرد.

پس از رحلت برخی علما و مراجع بزرگ مشهد، رهبر شهید انقلاب تأکید بسیاری داشتند که مرجعیت آیت‌الله زنجانی به‌صورت علنی‌تری اعلام شود و دفتر رسمی داشته باشد و حتی بعثه‌ای هم به مراسم حج بفرستد تا مرکزیت علمی مشهد در میان حوزه‌های علمیه از بین نرود. همین بود که دفتر مرجعیت آیت‌الله زنجانی در سال ۸۴ رسماً افتتاح شد.

■ **از فقه تا فلسفه**

درس خارج آیت‌الله زنجانی ترکیبی از مباحث عقلی و نقلی و اصولی و فلسفی بود و به عرفان و ادبیات عرب و فارسی تسلط داشت. در درس تفسیرش هم اخلاق و عرفان را فراموش نمی‌کرد.

او به فقه سیاسی هم توجه نشان می‌داد. کتاب‌الجهد از جواهرالکلام را یک دوره پیش از انقلاب و دو دوره پس از انقلاب تدریس کرد که در حاشیه آن به مباحث فقه سیاسی نیز می‌پرداخت. مبانی فقهی او نزدیک به مبانی فقهی امام خمینی(ره) و در واقع تقریر سخنان امام بود.

جامعیت، از مهم‌ترین ویژگی‌های آیت‌الله زنجانی بود. با اینکه هم پای درس فقهای بزرگ قم زانو زده بود و هم مدرسه فقهی نجف را درک کرده بود، در حکمت و فلسفه نیز از بزرگان عصرش بهره گرفته بود. در تفسیر و تحلیل ابیات مثنوی تسلط فوق‌العاده‌ای داشت و سال‌ها به‌صورت منظم به تدریس مثنوی می‌پرداخت.

او با جایگاهی که در حوزه‌های علمیه داشت، به پشتیبان اصحاب علوم عقلی در فضای حوزه علمیه مشهد مقدس تبدیل شد. با وجود این در فلسفه با اینکه متأثر از مرحوم علامه طباطبایی بود، اما نقدهایی را هم بر مباحث استادش وارد می‌کرد. همان‌طور که در ملاصدرا هم توقف نکرده بود؛ چون تقلید در فلسفه را نقض غرض می‌دانست.

از آیت‌الله زنجانی تألیفاتی نیز برجا مانده؛ از جمله: راه رستگاری در اخلاق، تفسیر سوره حمد، شرح زیارت عاشورا، مناسک حج، شرح خطبه حضرت زهرا(س)، زندگی‌نامه علامه بلاغی، مطارحات حول معیار الشکر فی القرآن، یکصد و ده سؤال، تقریرات مرحوم حجت کوه‌کمره‌ای، تقریرات مرحوم بروجردی، فیض‌العلیم فی شرح تحفة الحکیم، شرح زیارت آل یاسین، رساله فی حقیقه‌ الایمان و ….

■ **آرامش عزالدین در دارالزهد**

آیت‌الله عزالدین زنجانی پس از سال‌ها تلاش علمی و انقلابی، در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ در سن ۹۲سالگی در مشهد دار فانی را وداع گفت و پیکرش روز روز بعد در دارالزهد حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

در پیام تسلیت رهبر شهید انقلاب آمده بود: «این بزرگوار که از عالمان برجسته و ذی فنون به شمار می‌رفتند، از زنجان و نیز دوران اقامت طولانی در مشهد مقدس، کانون توجه فرزاتگان و اصحاب اندیشه و هنر نیز قرار داشتند و محفل گرم هدایت و افاده ایشان محل حضور طبقات گوناگون بود».

مشهورات، علامت سؤال بگذارد. برخلاف رویه‌های معمول که نقد را برنمی‌تابند، ایشان منتقدان خود را تشویق می‌کرد و معتقد بود اگر نقدی علمی و مستدل باشد، باید آن را پذیرفت. این منش سبب شده بود بزرگانی همچون آیت‌الله شبیری زنجانی و آیت‌الله فاضل لنکرانی، با وجود تفاوت در مبانی، برای نظرات و تقریرات ایشان (به‌ویژه در مباحث حج) احترام ویژه‌ای قائل باشند.

■ **رساله‌ای برآمده از بطن جامعه**

توضیح‌المسائل آیت‌الله جناتی، یک نوآوری در فرم و محتوا بود. ایشان ایواب رساله خود را نه براساس ساختارهای سنتی قرون گذشته، بلکه بر مبانی پرسش‌های واقعی و عینی مردم تنظیم کرد. ایشان با حذف احتیاط‌های فراوان (بیش از ۱۰۰ مورد احتیاط واجب را به فتوا تبدیل کرد)، مننی استدلالی و روان ارائه داد که هدفش نه فقط بیان تکلیف، بلکه درک روح عدالت در احکام الهی بود. ایشان معتقد بود فقه باید بتواند حفره‌های تئوریک نظام اسلامی را پر کند و تکیه‌گاهی محکم برای اداره جامعه باشد.

■ **میراثی برای آینده**

آیت‌الله محمدابراهیم جناتی شاهرودی؛ شیخ فقه‌های نواندیش، پس از ۹۴ سال مجاهدت علمی، میراثی گرانبها از خود به یادگار گذاشت که شامل بیش از ده‌ها جلد کتاب و صدها مقاله تخصصی است. آثاری چون «دوار فقه»، «منابع اجتهاد» و «سیر تطور فقه اجتهادی» امروزه منابعی ضروری برای هر پژوهشگری است که به دنبال فهم عمیق از تحولات فقهی است. اگرچه او امروز در میان ما نیست، اما مسیر سبزی که برای اجتهاد پویا و فقه زامانمند گشود، هرگز بسته نخواهد شد. یاد او، یادآور شجاعت در اندیشیدن و اخلاق در زیستن است.



یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر بهرام دلیر

## اجتهاد نوین و فقهی برای زیستن؛ واکاوی میراث فکری آیت‌الله محمدابراهیم جناتی فقیهی که بن‌بست‌های سنتی را با کلید زمان و مکان گشود

نزدیک به دو ماه از رحلت فقیهی می‌گذرد که نامش با نواندیشی اصیل و شجاعت در استنباط گره خورده است. آیت‌الله محمدابراهیم جناتی شاهرودی، در حالی در سن ۹۴سالگی دار فانی را وداع گفت که میراث علمی او، فراتر از یک رساله علمیه ساده، دریچه‌ای نو به سوی حل چالش‌های انسان معاصر در بستر دین گشوده است. او که از شاگردان تراز اول مکتب نجف و قم بود، با درک عمیق از تحولات جهان مدرن، نشان داد فقه نه یک دانش ایستا، بلکه ابزاری پویا برای اجرای عدالت و اخلاق در متن زندگی است.

یادداشت پیش‌رو، تلاشی است برای تبیین ابعاد کمتر شناخته‌شده این شخصیت برجسته علمی که در طول عمر شریف خود، مرزهای دانش فقهی را برای جامعه و نخبگان جابه‌جا کرد.

■ **رویکرد اجتهاد نوین؛ تعادلی میان متن و عقل**

آیت‌الله جناتی تمام تلاش‌های علمی خود را بر پایه روشی بنا کرد که آن را «اجتهاد نوین» می‌نامید. ایشان با بررسی دقیق تاریخ فقه، معتقد بود روش‌های استنباط معمولاً در سه مسیر حرکت می‌کنند: افراطی، تفریطی و اعتدالی. در نگاه ایشان، گروه‌های افراطی که فقط به ظاهر روایات می‌چسبند و عقل را کنار می‌گذارند، فقه را